

متن کامل و تنقیح شده (ویرایش دوم بهمن ۱۳۹۴)

قانون شوراهای حل اختلاف

مصوب ۱۳۹۴

مصوب کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی برای اجرای آزمایشی به مدت سه سال

تنظیم و تنقیح: [سیاوش هوشیار](#) برای انتشار در [پایگاه خبری اختبار](#)

ماده ۱- به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی، شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار «شورا» نامیده می‌شوند، تحت نظارت قوه قضائیه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد.

تبصره- تعیین محدوده فعالیت جغرافیایی شورا در هر حوزه قضائی^۱ به عهده رئیس همان حوزه قضائی می‌باشد.

ماده ۲- شوراهای حل اختلاف در شهرها و در صورت لزوم در روستاها به تعداد لازم تشکیل می‌گردد.

تبصره- رئیس قوه قضائیه می‌تواند برای رسیدگی به امور خاص به ترتیب مقرر در این قانون شوراهای تخصصی تشکیل دهد.

ماده ۳- هر شورا دارای رئیس، دو عضو اصلی و یک نفر عضو علی‌البدل است و در صورت نیاز می‌تواند برای انجام وظایف خود دارای مسئول دفتر باشد که توسط رئیس حوزه قضائی مربوط پیشنهاد و ابلاغ آن از سوی رئیس کل دادگستری استان^۲ یا معاون ذیربط وی صادر می‌شود.

^۱ تبصره ماده ۱۱ [قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹](#) :

حوزه قضائی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. تقسیم‌بندی حوزه قضائی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی‌دهد.

^۲ ماده ۱۲ [قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی](#) :

در شهرستان؛ رئیس دادگستری؛ رئیس حوزه قضائی و رئیس شعبه اول دادگاه بر دادگاههای ریاست اداری دارد و در مرکز استان رئیس کل دادگستری استان، رئیس کل دادگاهها تجدیدنظر و کیفری استان است و بر کلیه دادگاهها و دادرها و دادگستری‌های حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت. همچنین رئیس دادگستری هر حوزه بر دادرای آن حوزه نظارت و ریاست اداری دارد.

ماده ۴- در هر حوزه قضائی یک یا چند نفر قاضی دادگستری که قاضی شورا نامیده می‌شوند مطابق مقررات این قانون انجام وظیفه می‌نمایند.

تبصره ۱- قوه قضائیه می‌تواند برای تأمین قضات شورا از میان قضات شاغل یا بازنشسته استفاده نماید.

تبصره ۲- مرکز امور شوراهای^۳ می‌تواند از قضات شورا به صورت تمام وقت یا پاره وقت استفاده نماید.

تبصره ۳- رئیس قوه قضائیه می‌تواند یک قاضی را برای چند شورا تعیین کند.

ماده ۵- حکم انتصاب قاضی شورا توسط رئیس قوه قضائیه و حکم انتصاب هر یک از اعضای شورا پس از احراز شرایط مقرر در این قانون، با پیشنهاد رئیس کل دادگستری توسط رئیس مرکز امور شوراهای صادر می‌شود.

ماده ۶- اعضای شورا باید دارای شرایط زیر باشند:

الف- متدین به دین مبین اسلام

ب- تابعیت جمهوری اسلامی ایران

پ- التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ولایت مطلقه فقیه

ت- حسن شهرت به امانت و دیانت و صحت عمل

ث- عدم استفاده از مشروبات الکلی و عدم اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان

ج- حداقل سی سال سن تمام

چ- کارت پایان خدمت و وظیفه عمومی یا معافیت از آن برای مشمولان

ح- حداقل مدرک کارشناسی یا مدرک حوزوی معادل برای تمام اعضای شورای حل اختلاف شهر و در شورای روستا سواد خواندن و نوشتن و ترجیحا داشتن دیپلم و بالاتر

خ- متأهل بودن

د- سابقه سکونت در محل شورا حداقل به مدت شش ماه و تداوم سکونت پس از عضویت

ذ- نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری^۴ و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی^۵

^۳ ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف سابق مصوب ۱۳۸۷:

سیاستگذاری، برنامه ریزی و نظارت بر عملکرد شوراهای بر عهده مرکز امور شوراهای خواهد بود. رئیس مرکز توسط رئیس قوه قضائیه، منصوب می‌شود.

^۴ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

ماده ۲۵- محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می کند :

الف- هفت سال در محکومیت به مجازاتهای سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی
ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنیعلیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار
پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنیعلیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج
تبصره ۱- در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می شود لکن در گواهیهای صادره از مراجع ذیربط منعکس نمی گردد مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات
تبصره ۲- در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می شود.
تبصره ۳- در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدتهای فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می گردد .
تبصره ماده ۴۰: محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، براساس ماده(۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می کند.

۵ ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است :

الف- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا
ب- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور
پ- تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری
ت- انتخاب شدن یا عضویت در انجمنها، شوراها، احزاب و جمعیتها به موجب قانون یا با رأی مردم
ث- عضویت در هیأتهای منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف
ج- اشتغال به عنوان مدیر مسؤول یا سردبیر رسانه های گروهی
چ- استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاههای حکومتی اعم از قوای سه گانه و سازمانها و شرکتهای وابسته به آنها، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداریها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاههای مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آنها
ح- اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر یاری
خ- انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام
د- انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی
ذ- استفاده از نشانهای دولتی و عناوین افتخاری
ر- تأسیس، اداره یا عضویت در هیأت مدیره شرکتهای دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجارتي یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی
تبصره ۱- مستخدمان دستگاههای حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می شوند.
تبصره ۲- هر کس به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده(۲۵) این قانون اعاده حیثیت می شود و آثار تبعی محکومیت وی زائل می گردد مگر در مورد بندهای(الف)،(ب) و(پ) این ماده که از حقوق مزبور به طور دائمی محروم می شود .

تبصره ۱- برای عضویت در شورا، دارندگان مدرک دانشگاهی یا حوزوی در رشته های حقوق قضائی یا الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در اولویت هستند و حداقل یک نفر از اعضای شورای حل اختلاف شهر باید از میان دارندگان مدارک تحصیلی فوق باشد.

تبصره ۲- افرادی که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون به عضویت شوراها در آمده اند در صورت نداشتن شرایط موضوع بندهای (ح) و (خ) ادامه عضویتشان بلامانع است.

تبصره ۳- رئیس قوه قضائیه می تواند برای صلح و سازش در دعاوی و شکایات اقلیت های دینی موضوع اصل سیزدهم (۱۳) **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**^۶، شورای حل اختلاف خاص آنان تشکیل دهد. اعضای این شورا باید متدین به دین خود باشند.

تبصره ۴- اعضای شورا قبل از شروع به کار مکلفند مطابق سوگندنامه ای که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تصویب می شود سوگند یاد نمایند.

ماده ۷- قضات، کارکنان دادگستری، وکلا و مشاوران حقوقی، کارشناسان رسمی دادگستری و کارکنان نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران و نیروهای اطلاعاتی تا زمانی که در سمت های شغلی خود هستند حق عضویت در شورا را ندارند.

ماده ۸- در موارد زیر شوراها با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می نمایند:

الف- کلیه امور مدنی و حقوقی

ب- کلیه جرائم قابل گذشت^۷

^۶ اصل سیزدهم **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**:

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل میکنند

^۷ از **قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**:

تبصره یک ماده ۱۰۰: جرائم قابل گذشت، جرائمی میباشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است.

ماده ۱۰۳- چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیرقابل گذشت محسوب می شود مگر اینکه از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد.

ماده ۱۰۴- علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حدقذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند، جرائم مندرج در قسمت اخیر مواد (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۲)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰)، (۶۹۲)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹) و (۷۰۰) از کتاب پنجم «تعزیرات» نیز قابل گذشت محسوب می شوند.

پ- جنبه خصوصی^۸ جرائم غیر قابل گذشت^۹

تبصره- در صورتی که رسیدگی شورا با درخواست یکی از طرفین صورت پذیرد و طرف دیگر تا پایان جلسه اول عدم تمایل خود را برای رسیدگی در شورا اعلام نماید، شورا درخواست را بایگانی و طرفین را به مرجع صالح راهنمایی می نماید.

ماده ۹- در موارد زیر، قاضی شورا با مشورت اعضای شورا رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می نماید:

الف- دعاوی مالی راجع به اموال منقول^{۱۰} تا نصاب دویست میلیون ریال به جز مواردی که در تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون در دادگستری مطرح می باشند.

ب- تمامی دعاوی مربوط به تخلیه عین مستاجر^{۱۱} به جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب و پیشه

پ- دعاوی تعدیل اجاره بها به شرطی که در رابطه استیجاری اختلافی وجود نداشته باشد .

ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: تعقیب متهم در جرایم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می شود .

تبصره - تعیین جرایم قابل گذشت به موجب قانون است .

^۸ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲:

ماده ۹- ارتکاب جرم می تواند موجب طرح دو دعوی شود:

الف - دعاوی عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی

ب - دعاوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است مانند حد قذف و قصاص

ماده ۱۰- بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می شود .

ماده ۱۱- تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است .

^۹ تبصره ۲ ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

جرائم غیر قابل گذشت، جرائمی میباشند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد.

^{۱۰} از قانون مدنی:

ماده ۱۹- اشیائی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون اینکه به خودیامحل آن خرابی وارد آید منقول است .

ماده ۲۰- کلیه دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستاجر از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است ولو اینکه مبیع یا عین مستاجر از اموال غیر منقوله باشد.

^{۱۱} قانون روابط موجر و مستاجر را ببینید

ث- صدور گواهی حصر وراثت^{۱۲}، تحریر ترکه^{۱۳}، مهر و موم ترکه و رفع آن^{۱۴}

ث- ادعای اعسار از پرداخت محکوم^{۱۵} به^{۱۵} در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.

ج- دعاوی خانواده راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (الف)، در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱^{۱۶} نباشند.

چ- تأمین دلیل^{۱۷}

ح- جرایم تعزیری که صرفاً مستوجب مجازات نقدی درجه هشت^{۱۸} باشد.

۱۲ ماده ۳۶۰ قانون امور حسبی :

در صورتیکه وراث متوفی یا سایر اشخاص ذینفع بخواهند تصدیق انحصار وراثت تحصیل کنند درخواست نامه کتبی مشتمل بر نام و مشخصات درخواست کننده و متوفی و ورثه و اقامتگاه آنها و نسبت بین متوفی و وارث تنظیم نموده بدادگاه تسلیم مینمایند.

همچنین فصل دهم از باب پنجم [قانون امور حسبی](#) را ببینید

۱۳ ماده ۲۰۶ قانون امور حسبی :

مقصود از تحریر ترکه تعیین مقدار ترکه و دیون متوفی است.

همچنین فصل چهارم از باب پنجم [قانون امور حسبی](#) را ببینید

۱۴ فصل دوم و سوم از باب پنجم [قانون امور حسبی](#) را ببینید

۱۵ [قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۳](#) را ببینید

۱۶ ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ :

دادگاه ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج، تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقه زوجه، اطفال و حمل را معین و همچنین اجرت‌المثل ایام زوجیت طرفین مطابق تبصره ماده (۳۳۶) قانون مدنی تعیین و در مورد چگونگی حضانت و نگهداری اطفال و نحوه پرداخت هزینه‌های حضانت و نگهداری تصمیم مقتضی اتخاذ می کند. همچنین دادگاه باید با توجه به وابستگی عاطفی و مصلحت طفل، ترتیب، زمان و مکان ملاقات وی با پدر و مادر و سایر بستگان را تعیین کند. ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است. طلاق در صورت رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی دایر بر اعسار زوج یا تقسیط محکوم^{۱۵} به نیز ثبت می شود. در هر حال، هرگاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد می تواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگستری مطابق مقررات مربوط اقدام کند.

۱۷ ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی :

در مواردی که اشخاص ذی نفع احتمال دهند که در آینده استفاده از دلایل و مدارک دعوی آنان از قبیل تحقیق محلی و کسب اطلاع از مطلعین و استعلام نظر کارشناسان یا دفاتر تجاری یا استفاده از قرائن و امارات موجود در محل و یا دلایلی که نزد طرف دعوا یا دیگری است، متعذر یا متعسر خواهد شد، می توانند از دادگاه درخواست تأمین آنها را بنمایند.

مقصود از تأمین در این موارد فقط ملاحظه و صورت برداری از این گونه دلایل است.

همچنین مبحث اول از فصل هفتم باب سوم [قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی](#) را ببینید.

تبصره ۱- بهای خواسته^{۱۹} بر اساس نرخ واقعی آن تعیین می گردد، چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوی اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در صلاحیت شورا باشد، یا قاضی شورا نسبت به آن تردید کند قبل از شروع رسیدگی رأساً یا با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین می کند.

تبصره ۲- شورای حل اختلاف مجاز به صدور حکم شلاق و حبس نمی باشد.

تبصره ۳- صلاحیت شوراها حل اختلاف روستا مستقر در روستا صرفاً صلح و سازش^{۲۰} می باشد.

ماده ۱۰- دعاوی زیر حتی با توافق طرفین قابل طرح در شورا نیست:

الف- اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، فسخ نکاح، رجوع، نسب

ب- اختلاف در اصل وقفیت، وصیت، تولیت

پ- دعاوی راجع به حجر^{۲۱} و ورشکستگی

ت- دعاوی راجع به اموال عمومی^{۲۲} و دولتی^{۲۳}

۱۸ مجازات های جرایم درجه ۸ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عبارتند از :

- حبس تا سه ماه

- جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

- شلاق تا ده ضربه

۱۹ تعریف ارائه شده از "بهای خواسته" در این تبصره، با تعریف ارائه شده در فصل دوم باب سوم قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی متفاوت است و باید به این تفاوت دقت داشت.

۲۰ فصل نهم قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی را ببینید

۲۱ ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی :

اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند :

۱ - صغار

۲ - اشخاص غیررشید

۳ - مجانین

۲۲ از قانون مدنی :

ماده ۲۵ - هیچکس نمی تواند اموالی را که مورد استفاده عموم است و مالک خاص ندارد از قبیل پلها و کاروانسراها و آب انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدان گاههای عمومی تملک کند . و همچنین است قنوات و چاهائی که مورد استفاده عموم است.

ماده ۲۶ - اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندقها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاثه و ابنیه و عمارات دولتی و سیم های تلگرافی دولتی و موزه ها و کتابخانه های عمومی و آثار تاریخ و امثال آنها و بالجمله آنچه از اموال منقوله و غیر منقوله که دولت به عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد، قابل تملک خصوصی نیست و همچنین اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت و ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد.

ث- اموری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قضائی غیردادگستری می باشد.

ماده ۱۱- در کلیه اختلافات و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی و جرائم قابل گذشت، مرجع قضائی رسیدگی کننده می تواند با توجه به کیفیت دعوی یا اختلاف و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش، فقط یک بار برای مدت حداکثر تا سه ماه موضوع را به شورا ارجاع نماید.

تبصره- در اجرای این ماده، شوراها مکلفند برای حل و فصل دعوی یا اختلاف و ایجاد صلح و سازش تلاش کنند و نتیجه را اعم از حصول یا عدم حصول^{۲۴} سازش در مهلت تعیین شده برای تنظیم گزارش اصلاحی^{۲۵} یا ادامه رسیدگی به طور مستند به مرجع قضائی ارجاع کننده اعلام نمایند.

ماده ۱۲- شوراها باید اقدامات لازم را برای حفظ اموال اشخاص صغیر، مجنون و غیررشید که فاقد ولی یا قیم باشند و غائب مفقودالاثرا، همچنین ماترک متوفای بلاوارث و اموال مجهول المالک به عمل آورند^{۲۶} و بلافاصله مراتب را به مراجع صالح اعلام کنند^{۲۷}. شوراها حق دخل و تصرف در هیچ یک از اموال مذکور را ندارند.

ماده ۱۳- در صورت اختلاف در صلاحیت محلی شوراها به ترتیب زیر اقدام می شود:

الف- در مورد شوراهای واقع در یک حوزه قضائی، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی همان حوزه است.

ب- در مورد شوراهای واقع در حوزه های قضائی شهرستان های یک استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضائی شهرستان مرکز استان است.

۲۳ ماده ۲ آیین نامه اموال دولتی مصوب ۱۳۷۲ هیات دولت :

«اموال دولت»: اموالی است که توسط وزارتخانه ها، مؤسسات و یا شرکتهای دولتی که صددرصد سهام آنها متعلق به دولت است خریداری می شود یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت درآمده یا درمی آید.

۲۴ ماده ۱۸۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی :

هرگاه سازش محقق نشود، تعهدات و گذشتیهایی که طرفین هنگام تراضی به سازش به عمل آورده اند لازم الرعایه نیست.

۲۵ ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی :

دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می نماید مفاد سازش نامه که طبق مواد فوق تنظیم می شود نسبت به طرفین و وراث و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاهها به موقع اجرا گذاشته می شود، چه این که مورد سازش مخصوص به دعوی مطروحه بوده یا شامل دعوی یا امور دیگری باشد.

۲۶ قانون امور حسبی را ببینید

۲۷ ماده ۳ قانون امور حسبی :

رسیدگی بامور حسبی در دادگاههای حقوقی بعمل می آید.

پ- در مورد شوراهای واقع در دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استانی است که ابتدائاً به صلاحیت شورای واقع در آن استان اظهار نظر شده است.

ماده ۱۴- در صورت بروز اختلاف در صلاحیت شورای حل اختلاف با سایر مراجع غیر دادگستری در یک حوزه قضائی، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضائی مربوط است و در حوزه‌های قضائی مختلف یک استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز همان استان است. در صورت بروز اختلاف شوراهای حل اختلاف با مراجع غیر دادگستری واقع در حوزه دو استان، به ترتیب مقرر در بند (پ) ماده (۱۳) ^{۲۸} این قانون عمل می‌شود.

ماده ۱۵- در صورت بروز اختلاف در صلاحیت بین شورای حل اختلاف با مرجع قضائی، نظر مرجع قضائی لازم‌الاتباع است.

ماده ۱۶- رسیدگی شوراها با درخواست کتبی یا شفاهی به عمل می‌آید. درخواست شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای خواهان یا متقاضی می‌رسد.

ماده ۱۷- درخواست رسیدگی متضمن موارد زیر است:

الف- نام و نام خانوادگی، مشخصات و نشانی طرفین دعوی

ب- موضوع خواسته و همچنین تقویم ^{۲۹} آن در امور مالی

پ- موضوع درخواست یا اتهام

ت- دلایل و مستندات درخواست یا شکایت

ماده ۱۸- رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری است.

تبصره ۱- اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است.

تبصره ۲- مقررات ناظر به صدور رأی، واخواهی، تجدیدنظر و هزینه دادرسی، از حکم مقرر در این ماده مستثنی و تابع این قانون است.

^{۲۸} حسب مورد حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استانی است که ابتدائاً به صلاحیت شورای حل اختلاف یا مرجع غیر دادگستری واقع در آن استان اظهار نظر شده است.

^{۲۹} با توجه به نظام خاص مقرر شده برای تعیین "بهای خواسته" در تبصره یک ماده ۹ این قانون، سخت گفتن از "تقویم" خواسته بی مورد به نظر می‌رسد و خواهان باید "ارزش" خواسته را تعیین کند.

ماده ۱۹- رسیدگی شورا تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

تبصره ۱- منظور از تشریفات در این ماده، مقررات ناظر به شرایط شکلی دادخواست، نحوه ابلاغ، تعیین اوقات رسیدگی، جلسه دادرسی و مانند آن است.

تبصره ۲- چنانچه خوانده با دعوت شورا در جلسه رسیدگی حاضر نشود و یا لایحه‌ای ارسال نکند و این دعوت مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به ابلاغ نباشد، شورا مکلف است او را با ارسال اخطاریه دعوت کند.

ماده ۲۰- طرفین می‌توانند شخصاً در شورا حضور یافته یا از وکیل استفاده نمایند.

ماده ۲۱- در مواردی که دعوای طاری^{۳۰} یا مرتبط با دعوای اصلی از صلاحیت ذاتی شورا خارج باشد، رسیدگی به هر دو دعوی در مرجع قضائی صالح به عمل می‌آید.

ماده ۲۲- شورای حل اختلاف علاوه بر رسیدگی به دلایل طرفین می‌تواند تحقیق محلی^{۳۱}، معاینه محل^{۳۲}، تأمین دلیل^{۳۳} را نیز با ارجاع قاضی یا رئیس شورا توسط یکی از اعضاء به عمل آورد.

ماده ۲۳- هزینه رسیدگی شورای حل اختلاف در کلیه مراحل، در دعوای کیفری و غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعوای مالی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) آن است^{۳۴} رسیدگی به دعوای مشمول ماده (۸) این قانون بدون هزینه دادرسی است.

درآمد حاصل از هزینه دادرسی، جریمه های قانونی و نیم عشر اجرای آرای موضوع این قانون و سایر موارد قانونی به خزانه داری کل کشور واریز و صددرصد (۱۰۰٪) مبلغ واریزی از محل اعتبار خاصی که به همین منظور هر ساله

^{۳۰} ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی :

هر دعوایی که در اثنای رسیدگی به دعوای دیگر از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوای طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوای اصلی مرتبط یا دارای یک منشاء باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است.

^{۳۱} ماده ۲۴۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی :

در صورتی که طرفین دعوا یا یکی از آنان به اطلاعات اهل محل استناد نمایند، اگرچه به طور کلی باشد و اسامی مطلعین را هم ذکر نکنند، دادگاه قرار تحقیق محلی صادر می‌نماید. چنانچه قرار تحقیق محلی به درخواست یکی از طرفین صادر گردد، طرف دیگر دعوا می‌تواند در موقع تحقیقات، مطلعین خود را در محل حاضر نماید که اطلاع آنها نیز استماع شود.

^{۳۲} ماده ۲۴۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی :

دادگاه می‌تواند رأساً یا به درخواست هریک از اصحاب دعوا قرار معاینه محل را صادر نماید. موضوع قرار و وقت اجرای آن باید به طرفین ابلاغ شود.

^{۳۳} زیرنویس شماره ۱۷ را ببینید

^{۳۴} تعرفه خدمات قضائی مقرر در ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و سایر قوانین با آخرین اصلاحات ۱۳۹۳ را ببینید

در قانون بودجه کل کشور منظور می شود به شوراها اختصاص و پرداخت می شود تا به صورت کمک در موارد ذیل هزینه گردد:

الف - پرداخت پاداش به اعضاء و کارکنان شوراها

ب - هزینه تعمیرات و تجهیزات و هزینه های اداری مرکز امور شوراها

ج - بیمه تأمین اجتماعی کارکنان و اعضای شورا

تبصره - رئیس قوه قضائیه می تواند از منابع موضوع این ماده برای پرداخت پاداش به قضات بازنشسته که در اجرای این قانون فعالیت می کنند، اختصاص دهد.

ماده ۲۴ - در صورت حصول سازش میان طرفین، چنانچه موضوع در صلاحیت شورا باشد گزارش اصلاحی^{۳۵} صادر و پس از تأیید قاضی شورا به طرفین ابلاغ می شود، در غیر اینصورت موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده است در صورت مجلس منعکس و مراتب به مرجع قضائی صالح اعلام می شود.

ماده ۲۵ - رأی صادره از سوی قاضی شورا حضوری است، مگر اینکه محکوم علیه یا وکیل او در هیچ یک از جلسات رسیدگی حاضر نشده و یا به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد.

ماده ۲۶ - محکوم علیه غایب حق دارد مطابق قانون آیین دادرسی مدنی به رأی غیابی اعتراض کند.

ماده ۲۷ - تمام آرای صادره موضوع ماده (۹) این قانون ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی می باشد. مرجع تجدیدنظر از آرای قاضی شورا حسب مورد، دادگاه عمومی حقوقی یا کیفری دو همان حوزه قضائی می باشد. چنانچه مرجع تجدیدنظر آرای صادره را نقض نماید، رأساً مبادرت به صدور رأی می کند. این رأی قطعی است و اگر رسیدگی به موضوع در صلاحیت مرجع دیگری باشد، پرونده را به مرجع صالح ارسال می کند.

تبصره ۱ - گزارش اصلاحی^{۳۶} شورا قابل اعتراض نمی باشد و قطعی است.

تبصره ۲ - هر گاه رأی مرجع تجدیدنظر در مقام رد صلاحیت شورا باشد، رسیدگی ماهوی انجام و رأی اخیر به عنوان رأی شعبه بدوی تلقی و حسب مورد مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی و کیفری قابل تجدیدنظر است.

تبصره ۳ - هزینه دادرسی در مراحل تجدیدنظرخواهی حسب مورد بر اساس هزینه دادرسی طرح دعوی در آن مرجع است.

^{۳۵} زیرنویس شماره ۲۵ را ببینید

^{۳۶} زیرنویس شماره ۲۵ را ببینید

ماده ۲۸- هرگاه در تنظیم یا نوشتن رأی سهو قلم رخ بدهد مانند از قلم افتادن کلمه ای یا اضافه شدن آن و یا اشتباه در محاسبه صورت گرفته باشد تا وقتی که نسبت به آرای مذکور اعتراض نشده است، قاضی شورا رأساً یا با درخواست ذی نفع رأی را تصحیح می کند و رأی تصحیح شده به طرفین ابلاغ می شود. تسلیم رونوشت رأی اصلی بدون رأی تصحیح شده ممنوع است.

ماده ۲۹- اجرای آرای قطعی در امور مدنی به درخواست ذی نفع و با دستور قاضی شورا پس از صدور برگه اجرائیه^{۳۷} مطابق مقررات مربوط به اجرای احکام مدنی^{۳۸} و اجرای احکام قطعی در امور کیفری بر طبق مقررات آیین دادرسی کیفری^{۳۹} توسط قاضی واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف محل به عمل می آید.

تبصره- گزارش های اصلاحی تنظیم شده توسط شورای حل اختلاف به دستور قاضی شورا توسط واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف اجراء می شود.

ماده ۳۰- چنانچه محکوم علیه، محکوم به را پرداخت نکند و اموالی از وی به دست نیاید، با تقاضای ذی نفع و دستور قاضی شورا مراتب جهت اعمال قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی^{۴۰} به واحد اجرای احکام شورای حل اختلاف اعلام می شود.

ماده ۳۱- عضویت در شورا افتخاری است. قوه قضائیه به تناسب فعالیت و میزان همکاری قضات، اعضاء و کارکنان شورا پاداش مناسب پرداخت می کند.

۳۷ از قانون قانون اجرای احکام مدنی :

ماده ۴- اجرای حکم با صدور اجرائیه بعمل می آید مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. در مواردیکه دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند اجرائیه صادر نمیشود همچنین در مواردیکه سازمانها و مؤسسات دولتی و وابسته بدولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید بوسیله آنها صورت گیرد صدور اجرائیه لازم نیست و سازمانها و مؤسسات مزبور مکلفند بدستور دادگاه حکم را اجرا کنند .

ماده ۶- در اجرائیه نام و نام خانوادگی و محل اقامت محکوم له و محکوم علیه و مشخصات حکم و موضوع آن و اینکه پرداخت حق اجرا بعهد محکوم علیه میباشد نوشته شده و بامضاء رئیس دادگاه و مدیر دفتر رسیده بهمراه دادگاه ممهور و برای ابلاغ فرستاده میشود .

ماده ۷- برگهای اجرائیه بتعداد محکوم علیهها بعلاوه دو نسخه صادر میشود یک نسخه از آن در پرونده دعوی و نسخه دیگر پس از ابلاغ بمحکوم علیه در پرونده اجرائی بایگانی میگردد و یک نسخه نیز در موقع ابلاغ بمحکوم علیه داده میشود .

ماده ۸- ابلاغ اجرائیه طبق مقررات آیین دادرسی مدنی بعمل می آید و آخرین محل ابلاغ بمحکوم علیه در پرونده دادرسی برای ابلاغ اجرائیه سابقه ابلاغ محسوب است .

۳۸ قانون اجرای احکام مدنی را ببینید

۳۹ بخش پنجم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را ببینید

۴۰ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی را ببینید

ماده ۳۲- در صورت فوت یا استعفاء یا عزل اعضای شورا، عضو علی البدل با دعوت رئیس حوزه قضائی جایگزین عضو مذکور می شود.

تبصره - در غیاب عضو شورا، با دعوت رئیس شورا، عضو علی البدل عهده دار وظیفه وی می باشد.

ماده ۳۳- چنانچه اعضاء یا کارکنان شورا در انجام وظایف قانونی خود مرتکب تخلف شوند و یا حضور و مشارکت مناسب در جلسات شورا نداشته باشند یا شرایط عضویت در شورا را از دست بدهند، رئیس حوزه قضائی مراتب را مستنداً جهت رسیدگی به هیأت رسیدگی کننده به تخلفات اعضاء و کارکنان شورا موضوع ماده (۳۴) این قانون اعلام می کند.^{۴۱}

ماده ۳۴- هیأت رسیدگی کننده به تخلفات اعضای شورا مرکب از یک نفر قاضی با انتخاب رئیس کل دادگستری استان و رئیس شورای حل اختلاف استان و مسؤول حفاظت و اطلاعات دادگستری استان می باشد. تبصره- رئیس قوه قضائیه، هیات یاد شده را برای مدت سه سال منصوب می کند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

ماده ۳۵- تخلفات اعضاء و کارکنان شورا به قرار زیر است:

الف- اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا عضویت

ب- عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط

پ- ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام وظایف قانونی بدون دلیل

ت- تبعیض یا اعمال غرض یا برقراری روابط خارج از عرف اداری با اشخاص مراجعه کننده

ث- ترک خدمت در خلال ساعات موظف اداری بدون مجوز

ج- غیبت غیرموجه، تکرار در تأخیر ورود به محل کار یا تکرار در تعجیل خروج از آن بدون کسب مجوز

چ- کم کاری یا سهل انگاری در انجام وظایف محول شده

ح- عدم رعایت حجاب اسلامی

خ- عدم رعایت شئون و شعائر اسلامی

د- اخذ هر گونه وجه، مال یا امتیاز من غیر حق

^{۴۱} احکام انضباطی هیات رسیدگی کننده به تخلفات اعضای شوراها حل اختلاف نافه مسوولیت کیفری این اعضا نسبت به رفتارهایی که در قوانین دیگر جرم انگاری شده اند نخواهد بود.

ذ- تسامح در حفظ اموال و اسناد و ایراد خسارت به اموال بیت المال^{۴۲}

ر- ارائه گواهی یا گزارش خلاف در امور مربوط به شورا^{۴۳}

ز- تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را دارند^{۴۴}.

ژ- اعتیاد به مواد مخدر یا روانگردان و استعمال آنها^{۴۵}

س- غیبت غیرموجه به صورت متناوب یا متوالی تا چهارجلسه برای اعضاء و چهار روز برای کارکنان در طول ماه

۴۲ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ :

ماده ۵۴۴ - هر گاه بعضی یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب یا بر خلاف مقررات معدوم شود دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاص که به واسطه اهمال آنها جرم مذکور وقوع یافته است، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۴۵ - مرتکبین هر یک از انواع و اقسام جرمهای مشروح در ماده فوق به حبس از سه تا شش سال محکوم خواهند گردید و اگر امانت‌دار یا مستحفظ مرتکب یکی از جرایم فوق‌الذکر شود به سه تا ده سال حبس محکوم خواهد شد.

۴۳ از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی :

ماده ۵۳۴ - هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضائی و مأمورین بخدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

ماده ۶۰۵ - هر یک از مأمورین ادارات و موسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از روی غرض و بر خلاف حق درباره یکی از طرفین اظهار نظر یا اقدامی کرده باشد به حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد.

۴۴ از آنجا که اعضای شورا از مستخدمین دولت محسوب نمی‌شوند، دادن اوراقی و اسنادی که به آن‌ها سپرده شده است به اشخاصی که ممنوع هستند مشمول جرم موضوع ماده ۶۰۴ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نمی‌شوند:

ماده ۶۰۴ - هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری نوشته‌ها و اوراق و اسنادی را که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

۴۵ ماده ۱۹ قانون مبارزه با مواد مخدر :

افراد غیر معتادی که مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی استعمال نمایند، بر حسب نوع مواد به شرح ذیل مجازات می‌شوند :

۱- استعمال مواد مذکور در ماده ۴ به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی.

۲- استعمال مواد مذکور در ماده ۸ به پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا ده میلیون ریال جزای نقدی .

ش - کارشکنی، شایعه پراکنی، وادار ساختن و تحریک دیگران به کارشکنی یا کم کاری و یا اعمال فشارهای فردی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی

ص - عضویت در یکی از فرقه های ضافه که مبانی آن از نظر اسلام مردود شناخته شده است.

ض - عضویت در سازمان هایی که مرامنامه یا اساسنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها

ماده ۳۶ - چنانچه هیأت رسیدگی کننده بدوی پس از دعوت از عضو یا کارکنان شورا و شنیدن اظهارات و دفاعیات آنها تخلف آنان را احراز نماید به تناسب عمل ارتكابی در مورد ارتكاب به تخلفات پیش بینی شده در بندهای (الف) تا (خ) ماده (۳۵) برای بار اول و دوم مرتکب را به یکی از مجازات های ردیف (الف) تا (پ) این ماده و در مورد تخلفات پیش بینی شده در بندهای (د) تا (ض) ماده (۳۵) و تکرار تخلفات بندهای (الف) تا (خ) در بار سوم، مرتکب را به یکی از مجازات های پیش بینی شده در بندهای (ت) و یا (ث) این ماده به شرح زیر محکوم می کند:

الف - اخطار کتبی بدون درج در پرونده

ب - توبیخ کتبی با درج در پرونده

پ - کسر پاداش تا یک سوم به مدت یک ماه تا یک سال

ت - محرومیت از کار در شورا از یک ماه تا یک سال

ث - محرومیت دائمی از کار در شورا

ماده ۳۷ - آرای صادره از هیأت بدوی در مورد مجازاتهای مقرر در بندهای (الف) تا (پ) ماده (۳۶) قطعی و در مورد بندهای (ت) و (ث) آن ماده ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در هیأت تجدیدنظر رسیدگی کننده به تخلفات اعضا و کارکنان شورا است. این هیأت مرکب از سه عضو اصلی و یک نفر عضو علی البدل است که از بین قضات دارای پایه (۹) قضائی یا بالاتر با ابلاغ رئیس قوه قضائیه برای مدت سه سال منصوب می شوند و انتصاب مجدد آنها بلامانع است.

تبصره - هیأت موضوع این ماده در مرکز امور شوراهای تشکیل می شود، در صورت ضرورت با پیشنهاد رئیس امور شوراهای تشکیل آن در مراکز استان ها نیز بلامانع است.

ماده ۳۸- چنانچه اعضای شورا در مقابل دریافت وجه یا سند پرداخت وجه یا مال یا ارائه خدمت به نفع یکی از طرفین اظهار نظر کنند، به مجازات بزه موضوع ماده (۵۸۸) [قانون مجازات اسلامی \(کتاب پنجم- تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲\)](#)^{۴۶} محکوم می شوند.

ماده ۳۹- چنانچه قاضی شورا در انجام وظایف قانونی مربوط به شورا، مرتکب تخلف شود، مراتب توسط رئیس حوزه قضائی یا هیأت موضوع ماده (۳۴) این قانون به دادسرای انتظامی قضات اعلام می شود تا مطابق مقررات مربوط به تخلفات و جرائم قضات رسیدگی شود^{۴۷}.

ماده ۴۰- چنانچه اعضای شورا در آزمون استخدام قضات، وکالت دادگستری، مشاور حقوقی یا کارشناس رسمی دادگستری پذیرفته شوند و حداقل سه سال سابقه همکاری با شورا داشته باشند و حسن سابقه آنان به تأیید رئیس کل شوراها حل اختلاف استان برسد مدت کارآموزی آنان به نصف، تقلیل می یابد.

تبصره- در صورت شرکت اعضاء و کارکنان شوراها حل اختلاف موضوع این ماده در آزمون های استخدام اداری دادگستری از بیست درصد (۲۰٪) سهمیه استخدام برخوردار و مدت خدمت آنان با تأیید رئیس شورای حل اختلاف استان از شرایط سنی کسر و همچنین این مدت در صورت وجود سابقه قبلی مبنی بر پرداخت حق بیمه مطابق مقررات مربوطه، جزء سنوات خدمت آنان محسوب می شود.

ماده ۴۱- پرونده هایی که تا زمان اجرای این قانون منتهی به اتخاذ تصمیم نشده باشد، با رعایت مقررات این قانون در شوراها رسیدگی و نسبت به آنها اتخاذ تصمیم می شود.

ماده ۴۲- در مواردی که شورا به عنوان داور مورد توافق طرفین به دعاوی و اختلافات رسیدگی می کند، رعایت مقررات مربوط به داوری مطابق [قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی](#)^{۴۸} الزامی است.

ماده ۴۳- جهت تقویت و توسعه شوراها، وزارتخانه ها و سازمان ها و نهادهای دولتی و عمومی و قضائی، ملزم به همکاری با این نهاد، به ویژه تأمین و تخصیص نیروی اداری و قضائی لازم از طریق مأمور به خدمت شدن کارکنان دولت در شوراها^{۴۹} هستند.

^{۴۶} ماده ۵۸۸ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵:

هر یک از داوران و میزبان و کارشناسان اعم از این که توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مودی به نفع دولت ضبط خواهد شد.

^{۴۷} [قانون نظارت بر رفتار قضات](#) را ببینید

^{۴۸} باب هفتم - داوری از [قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب \(در امور مدنی\)](#) مصوب ۱۳۷۹ را ببینید

ماده ۴۴- رئیس قوه قضائیه می تواند حسب نیاز، سالانه تعدادی از کارآموزان قضائی را به عنوان قاضی شورا تعیین نماید و نقل و انتقال آنان مطابق نقل و انتقال قضات می باشد.

ماده ۴۵- دولت مکلف است هر ساله بودجه مورد نیاز شوراها را بر اساس بودجه پیشنهادی قوه قضائیه در قالب ردیف مستقل پیش بینی کند. تأمین امکانات اداری و تجهیزات و مکان و امور مالی و پشتیبانی شوراها به عهده قوه قضائیه است.

ماده ۴۶- آیین نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب آن، توسط وزیر دادگستری با همکاری مرکز امور شوراها تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

لایحه قضایی شوراهای حل اختلاف که در جلسه ۱۳۹۳/۴/۲۵ به تصویب هیات وزیران رسیده بود در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۳۰ برای بررسی تقدیم مجلس شورای اسلامی شد، در متن اولیه لایحه، شوراهای حل اختلاف به دو نوع یک و دو تقسیم شده بودند که شوراهای دو فقط صلاحیت رسیدگی به صلح و سازش داشتند، با این حال این متن اولیه در کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی دست خوش تغییراتی شد، مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۷/۲۱ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با تصمیم مجلس در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۰ برای اجرای آزمایشی به مدت سه سال برای تایید به شورای نگهبان ارسال شد، پس از ایراد شورای نگهبان به این مصوبه، کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با مصوبه مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۱۶ خود توانست نظر شورای نگهبان را تأمین کند و نهایتاً شورای نگهبان لایحه شوراهای حل اختلاف را در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۹ تایید کرد.

برای حمایت از این اثر اینجا کلیک کنید

برای عضویت در خبررسان تلگرام اخبار اینجا کلیک کنید

برای عضویت و پیگیری صفحه اینستاگرام اخبار اینجا کلیک کنید

برای دریافت تازه ترین مطالب، در خبرنامه ایمیلی اخبار عضو شوید